و اینکه سؤال شده بود که چگونه ذکر انبیای قبل از آدم ابوالبشر و سلاطین آن از منه
در کتب تواریخ نیست عدم ذکر دلیل بر عدم وجود نبوده و نیست نظر بطول مدّت و

انقلابات ارض باقی نمانده و ازاین گذشته قبل ازآدم ابوالبشر قواعد تحریر ورسومی
که حال مابین ناس است نبوده ووقتی بود که اصلاً رسم تحریر نبود قسم دیگر معمول بوده و
اگر تفصیل ذکر شود بیان بطول انجامد ملاحظه در اختلاف بعد ازآدم نمائید که درابتدا این
السن معروفه مذکوره درارض نبوده وهمچنین این قواعد معموله بلسانی غیراین السن مذکوره تکلم مینمودند
واختلاف السن درارضی که ببابل معروفست ازبعد وقوع یافت لذاآن ارض بابل نامیده شد
ای تبلبل فیها اللّسان ای اختلف وبعد لسان سریانی مابین ناس معتبر بوده وکتب الٰهی
ازقبل بآن لسان نازل تا آیامی که خلیل الرّحمن ازافق امکان بانوار سبحانی ظاهر ولائح گشت
آنحضرت حین عبور ازنهر اردن تکلّم بلسان وسمّی عبرانیاً چون درعبور خلیل الرّحمن بآن تنطق فرمود
لذا عبرانی نامیده شد وکُتب وصف الٰهیّه بعد بلسان عبرانی نازل ومدّتی گذشت بلسان
عربی تبدیل شد ...

حال ملاحظه نمائید بعد ازآدم چه قدر لسان وبیان وقواعد خطّیه مختلف شده تاچه رسد
بقبل ازآدم مقصود ازاین بیانات آنکه لم یزل حق درعلوّ امتناع وسموّ ارتفاع خود مقدّس
ازذکر ماسویه بوده وخواهد بود وخلق هم بوده ومظاهر عزّ احدیّه ومطالع قدس باقیه درقرون
لا اوّلیه مبعوث شده اند وخلق رابحق دعوت فرموده اند ولکن نظر باختلافات وتغییر احوال
عالم بعضی اسماء واذکار باقی نمانده درکتب ذکر طوفان مذکور ودرآن حادثه آنچه برروی ارض بود

جمیع غرق شده چه از کتب تواریخ و چه غیره و همچنین انقلابات بسیار شده که سبب محو بعضی امور
محدثه گشته و از این مراتب گذشته در کتب تواریخ موجوده در ارض اختلاف مشهود است و نزد
هر ملّتی از ملل مختلفه از عمر دنیا ذکری مذکور و وقایعی مسطور بعضی از هشت هزار سال تاریخ
دارند و بعضی بیشتر و بعضی دوازده هزار سال و اگر کسی کتاب جوک دیده باشد مطّلع میشود که
چه مقدار اختلاف مابین کتب است انشاءالله باید بمنظر اکبر ناظر شد و توجّه را از جمیع این
اختلافات و اذکار برداشت .